

خاطرات نصرالله انتظام

نصرالله انتظام فرزند انتظام السلطنه از رجال دوره قاجار، در سال ۱۲۷۹ هجری شمسی در تهران متولد شد. دوران تحصیل ابتدایی را در مدرسه آلمانی تهران گذراند. ۱. پس از طی تحصیل ابتدایی وارد مدرسه حقوق و علوم سیاسی شد و در اواخر جنگ جهانی اول از این مدرسه فارغ التحصیل شد. و در همان دوران به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. ۲. انتظام مدت ۸ سال در ادارات مختلف وزارت خارجه به کار اشتغال داشت.

پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، به گفته خود وی، بنا به اصرار معاون اداری مجلس به اداره تقنینیه مجلس منتقل شد. ۳. مدت خدمت وی در اداره تقنینیه مجلس کوتاه بود و در اواخر دوره چهارم مجلس به دنبال انتصاب فروغی به وزارت امور خارجه در کابینه مستوفی الممالک، انتظام به وزارت امور خارجه منتقل و پست منشی اول اداره دوم سیاسی به وی واگذار شد و در ضمن به عنوان رئیس اداره ترکیه به سفارت عثمانی در تهران معرفی شد. ۴.

به لحاظ تصدی این پست، انتظام در جریان انعقاد پروتکل ایران و ترکیه در سال ۱۳۰۵ شمسی، به عنوان یکی از اعضای هیات ایرانی در مذاکرات شرکت داشت.

پس از آن وی به نیابت سفارت ایران در پاریس انتخاب شد و به کشور فرانسه رفت. و بعد از آن به ترتیب به عنوان دبیر اول سفارت ایران در ورشو و ژنو خدمت کرد.

۱- جلال عبده، چهل سال در صحنه قضایی، سیاسی، دیپلماتی ایران و جهان، ویرایش و تنظیم از مجید تفرشی، (تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا ۱۳۶۸) ص ۲۳

۲- ص ص ۱۳۶ - ۱۳۵ کتاب حاضر مطابق با ص ۹ دفتر چهارم متن اصلی

۳- ص ۱۳۶ کتاب حاضر مطابق با ص ۱۰ دفتر چهارم متن اصلی

۴- ص ۱۵۱ کتاب حاضر مطابق با ص ۳۸ دفتر چهارم متن اصلی

در دوران اقامت در ژنو، وی به عضویت هیأت نمایندگی ایران در
جامعه ملل نیز منصوب شد. در سال ۱۳۱۱ شمسی به تهران بازگشت و
پس از چندی به عنوان عضو مقدم اداره عهود - و جامعه ملل وزارت
خارج به سمت منشی هیأت ایران که ریاست آن با علی اکبر داور بود
به ژنو عزیمت کرد تا در جلسات شورای جامعه ملل که به منظور
رسیدگی به اختلاف ایران و انگلیس در مورد لغو امتیاز داری تشکیل
می شد، شرکت کند.

پیش از سفر به ژنو، وی از سوی محمدعلی فروغی وزیر امور خارجه
وقت مامور راهنمایی هیأت اعزامی جامعه ملل که به منظور بررسی
مسأله فحشاء و خرید و فروش زنان به شرق اقصی اعزام و در بازگشت،
خواستار بررسی این مسأله در ایران شده بود، گردید. درباره نحوه
برخورد و راهنمایی هیأت مزبور، انتظام می نویسد: «... چون مدت
توقف هیأت کوتاه و افراد آن ناشی و تازه وارد بودند به لطایف الحیل
سر آن ها را شیره مالیدیم و بی این که بفهمند به اغلب پرسش های
آنان جواب های بی سروتهی دادیم. حتی نگذاریم هیچ فاحشه خانه ای
را ببینند...»^۱

علیرغم تلاش های فوق، و با این که گزارش تهیه شده به سود
ایران بود ولی به لحاظ آنکه در مقدمه گزارش «نفوس ایران را نه
میلیون ذکر و کرد و عرب و ارمنی را جزو اقلیت های ایران قلمداد
کرده بودند...»^۲ رضاشاه برآشفته شد و انتظام مورد سؤال واقع شد.
ولی سرانجام قضیه با پا در میانی و توضیحات فروغی با مسالمت خاتمه
یافت.

۱- ص ۱۶۱ کتاب حاضر مطابق با ص ۵۵ دفتر چهارم متن اصلی

۲- ص ۱۶۱ کتاب حاضر مطابق با ص ۵۶ دفتر چهارم متن اصلی

خاطرات نصرالله انتظام

پس از بازگشت از ژنو، انتظام به گفته خود، جهت سروسامان دادن به اوضاع بد مالی خود تقاضای نیابت سفارت ایران در لندن را با فروغی مطرح ساخت.^۱ و پس از چندی به لندن رفت. مدت مأموریت در لندن ده ماه بود. و پس از آن به معاونت نمایندگی ایران در جامعه ملل و کاردار سفارت ایران در سوئیس منصوب شد و پنج سال در این سمت باقی بود.

در سال ۱۳۱۷ شمسی به تهران مراجعت کرد. و چندی در وزارت امور خارجه به عنوان رئیس اداره سوم سیاسی خدمت کرد. و پس از آن به سمت رئیس تشریفات دربار منصوب شد.

در جریان قضایای سوم شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران وی کماکان در این سمت قرار داشت.

پس از سقوط رضاشاه و تحولات سیاسی ناشی از حضور متفقین در ایران، انتظام فعال تر و در سطح بالاتری در مسایل سیاسی کشور حضور یافت. مشاغلی که در طول دوران جنگ دوم جهانی، بر عهده انتظام قرار گرفت به شرح ذیل است: وزیر بهداری در کابینه احمد قوام، وزیر پست و تلگراف و تلفن در کابینه دوم سهیلی، وزیر راه در کابینه سوم سهیلی و کابینه مرتضی قلی بیات. وزیر امور خارجه در کابینه مرتضی قلی بیات. در اسفندماه ۱۳۲۴ شمسی، انتظام از پست وزارت امور خارجه استعفا داد و در همین زمان به عنوان عضو هیات ایران که جهت شرکت در کنفرانس سانفرانسیسکو عازم آمریکا بود، به این کشور سفر کرد.

در این کنفرانس، انتظام به عنوان یکی از اعضاء کمیسیون مقدماتی کنفرانس مزبور انتخاب شد. وظیفه این کمیسیون تدوین

مقررات اجرای منشور سازمان ملل متحد و ارائه آن به نخستین مجمع عمومی سازمان مزبور بود. نخستین مجمع عمومی در سال ۱۹۴۶ م / ۱۳۲۵ ش در لندن تشکیل شد و انتظام به عنوان عضو هیات نمایندگی ایران که ریاست آن با تقی زاده - سفیر ایران در لندن - بود در مجمع عمومی شرکت کرد.

پس از برگزاری مجمع عمومی، انتظام به سمت رئیس هیات نمایندگی ایران در سازمان ملل برگزیده شد.

به هنگام تصدی این پست از سوی انتظام، محمدرضا پهلوی بنا به دعوت رئیس جمهور آمریکا، سفری به این کشور کرد. و انتظام به هنگام ورود شاه به نیویورک از وی استقبال کرد. در جریان مراسم استقبال، انتظام برخلاف معمول دست شاه را نبوسید و این امر موجب رنجش و عصبانیت وی گردید. «... [انتظام] با وی ملاقات کرد و احترامی برابر احترام دیگر رجال سیاسی برای او انجام داد. بعدها شاه همواره از عدم دست بوسی نصرالله انتظام و بی احترامی که به وی شده بود گله مند بود...»^۱

انتظام در ۲۹ شهریور ۱۳۲۹ ش / ۱۹۵۰ م با ۳۲ رای از مجموع ۵۴ رای به ریاست مجمع عمومی سازمان ملل انتخاب شد. پس از پایان دوران ریاست مجمع عمومی انتظام، علیقلی اردلان به سمت نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد برگزیده شد و انتظام به سمت سفیر ایران در آمریکا منصوب شد.

در همان دوران جنبش ملی شدن صنعت نفت در ایران رخ داد و دکتر مصدق به زمامداری رسید. وی در جریان سفر دکتر مصدق در مهر ۱۳۳۰ به آمریکا، همچنان پست سفارت را بر عهده داشت. در

۱ - جلال عیده، همان، ج اول ص ۲۹۱

خاطرات نصرالله انتظام

جریان این سفر و بدنبال پیدا شدن اوراق تبلیغاتی شرکت نفت انگلیس در کشوی میزهای کنسولگری ایران، سوءظن دکتر مصدق نسبت به سفیر افزایش یافت: «پدرم که از ابتدا به نصرالله انتظام خوش بین نبود با بررسی وضع سفارت ایران و مشاهده اوراق تبلیغاتی شرکت نفت و شایعات و خبرهایی که درباره سفیر پخش می شد، نسبت به انتظام سوءظن بیشتری پیدا کرده بود.»^۱

سوءظن مصدق نسبت به انتظام هنگامی که وی در ملاقات با ترومن رئیس جمهور آمریکا از ورود انتظام به جلسه جلوگیری بعمل آورد کاملاً آشکار شد: «... ناگهان پدر عقب گرد کرد... پیش از آن که انتظام وارد تالار شود با چابکی در ورودی را بست و سفیر را حیران پشت در گذاشت و به رئیس جمهوری ملحق شد!

انتظام که سخت ناراحت شده بود به من و چند نفر از اعضای هیات که به تالار دیگری می رفتیم تا در انتظار بازگشت پدر بمانیم پیوست. وی در حالی که بغض گلویش را گرفته بود به من گفت: اگر مرا نمی خواهند و به من اعتماد ندارند، عوض کنند...»^۲

ولی مصدق انتظام را تغییر نداد و حتی وی به عضویت هیات نمایندگی ایران جهت شرکت در جلسات دادگاه بین المللی لاهه انتخاب شد و در خرداد ۱۳۳۱ به هلند عزیمت کرد.

سه ماه پس از این مأموریت، سرانجام نام نصرالله انتظام در زمره سفرایی قرار گرفت که دکتر مصدق قصد تغییر آنان را داشت. ۱۹ شهریور ۱۳۳۱ الهیار صالح، از سوی دکتر مصدق به عنوان سفیر ایران

۱- غلامحسین مصدق - در کنار پدرم مصدق - خاطرات دکتر غلامحسین مصدق، تهیه

و تنظیم: غلامرضا نجاتی مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، (تهران، ۱۳۶۹) ص ۸۴

۲- پیشین - ص ۹۲

پیش‌شمار

در آمریکا به شاه معرفی شد و راهی واشنگتن گردید.

پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و استقرار دولت کودتا، انتظام بار دیگر به عنوان سفیر ایران در آمریکا انتخاب شد و به واشنگتن عزیمت کرد. وی تا سال ۱۳۳۵ شمسی در این سمت قرار داشت و در این مدت بار دیگر ریاست هیات نمایندگان ایران در سازمان ملل متحد را نیز بر عهده گرفت.

انتظام در بازگشت به تهران مدت کوتاهی در سال ۱۳۳۸ به عنوان وزیر مشاور در کابینه علم انتخاب شد ولی مدت آن زیاد به طول نیانجامید و به عنوان سفیر ایران در فرانسه انتخاب و راهی پاریس شد. وی تا سال ۱۳۴۱ شمسی در پاریس بود در سال ۱۳۴۶ / ۱۹۶۷ به سمت داور اختصاصی پاکستان در جریان اختلافات هند و پاکستان در مورد «ران آو کوچ» برگزیده شد.^۱

انتظام علیرغم آنکه پس از بازگشت از پاریس بازنشسته شد ولی تا پایان سلطنت پهلوی در زمره افراد متنفذ سیاسی کشور قرار داشت. درباره فعالیت‌های غیررسمی وی در گزارشی که از سفارت آمریکا در تهران برای وزارت خارجه آمریکا ارسال شده، آمده است: «... علی امینی نخست وزیر سابق خود یک «دوره‌ای» دارد که تا کنون مدت ۱۲ سال روزهای چهارشنبه گردهم می‌آیند. اعضای این دوره عبارتند از اشخاصی نظیر عبدالله انتظام مدیر سابق شرکت ملی نفت ایران و نصرالله انتظام عضو سابق کابینه و رئیس سابق مجمع عمومی ملل متحد. برادران انتظام مانند سایر اعضای دوره امینی از افراد فعال سایر دوره‌ها نیز می‌باشند...»^۲

۱- عبده - همان - ج ۲ - ص ۸۳۰

۲- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام - احزاب سیاسی در ایران بخش اول، مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا. جلد دوم (تهران ۱۳۶۶)، ص ۵۷

خاطرات نصرالله انتظام

نصرالله انتظام در جریان برگزاری نخستین کنگره عمومی حزب رستاخیز به عنوان رئیس کنگره برگزیده شد.

سفارت آمریکا در تهران انتخاب وی را دلیلی بر تضعیف موقعیت هویدا تحلیل کرد. در گزارش مورخه ۱۰ ژوئیه ۱۹۷۵ / ۱۹ تیرماه ۱۳۵۴ سفارت آمریکا به وزارت امورخارجه این کشور در این باره آمده است: «کنگره حزب رستاخیز: تغییر موازنه قدرت در سیاست های حزبی ایران با انتخاب نصرالله انتظام یکی از یاران دیرین رقیب قدرتمند هویدا یعنی اسدالله اعلم وزیر دربار به عنوان ریاست کنگره آشکار شد...»^۱

پس از ذکر زندگینامه فهرست وار انتظام، جای آن دارد تا چند نکته مهم را در ارتباط با زندگی سیاسی وی یادآور شویم. نخستین مساله در ارتباط با نقش انتظام در کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است. انتظام در کوران مبارزات مردم ایران و در حالی که به عنوان سفیر کشورش در یک کشور خارجی می بایست حافظ منافع مردم و میهن اش باشد، در ارتباط کامل با جاسوسان و مأموران امنیتی بیگانه بود. کرمیت روزولت طراح کودتای ۲۸ مرداد در کتاب خود می نویسد: «... من با سفیر ایران در واشنگتن صحبت کردم او مرد فوق العاده زیرکی به نام نصرالله انتظام بود که کاملاً جزء وفاداران شاه به شمار می آمد مصدق در سال ۱۹۵۲ او را تغییر داد و یکی از یاران خود بنام اللهیار صالح را جانشین او نمود صالح به مدت یک سال در مأموریت جدید کار کرد بعد از آن مجدداً انتظام به آمریکا برگشت. اوائل سپتامبر ۱۹۵۱ اولین ملاقات ما صورت گرفت.... حالا هر دو ما

۱ - دانشجویان مسلمان پیرو خط امام - از ظهور تا سقوط، مجموعه اسناد لانه جاسوسی

خاطرات نصرالله انتظام

بنا به گفته نصرالله انتظام، پدرش عضو تشکیلات فراماسونری بوده است. خود وی و برادرش عبدالله نیز بنا به نقل اسماعیل رائین از اعضای فراماسونری بوده‌اند. به نوشته رائین: «.... بقیه یکصد و چهار نفر عضو لژهای چهارگانه هستند که در بعضی از لژها، شش نفر زیر در دو لژ عضویت دارند. ۱ - نصرالله انتظام و مهندس رضا کیوانی، در لژهای مهر و وفا ۳ - عبدالله انتظام و دکتر جمشید مفخم در لژهای وفا و صفا،...»^۱

انتظام در متن خاطرات خود فقط در یک جا بطور ضمنی به عضویت خود در فراماسونری اشاره کرده است. وی به هنگام نقل روابط خود با محمدعلی فروغی، نظرات محمدرضا پهلوی را درباره فروغی ذکر کرده و می‌نویسد:

«روزی در ضمن صحبت گفتم عده‌ای از ما بدگویی می‌کنند و ما را فراماسون می‌خوانند و اعلیحضرت هم گفته آنها را تکرار می‌فرمایند دو روز بعد [فروغی] پرسید فلانی منظورتان از اشاره‌ای که آن روز راجع به فراماسونری کردید چه بود؟ ... جواب دادم چیز مهمی نبود اعلیحضرت یک بار بطور کنایه این نکته را فرمودند و من هم عرض کردم خوبست این شکایت را به دیگری بفرمائید زیرا اگر فراماسون بودن گناه باشد پدر من هم بود.»^۲

در پایان توضیح پیرامون شخصیت انتظام جای آن دارد تا به نکته‌ای که دکتر قاسم غنی در نامه‌ای به محمدعلی جمالزاده درباره نقش نصرالله انتظام در قضیه شناسایی دولت اسرائیل توسط دولت ایران

۱ - اسماعیل رائین - فراموشخانه و فراماسونری در ایران - جلد سوم - ص ۵۴۰ (تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۷)

۲ - ص ۱۸۱ - ۱۸۰ کتاب حاضر، مطابق با ص ۹۱ - ۹۰ - دفتر پنجم متن اصلی (تهران انتشارات زوار ۱۳۶۷)

مطرح می کند اشاره شود. غنی می نویسد: «بطور محرمانه به خودتان عرض می کنم شیاع نامی دارد که همین آقا نصرالله انتظام پول هنگفتی از یهودیان گرفته که زمینه شناسایی دولت اسرائیل از طرف ایران بعمل آید. زیرا یهود مساله حیاتی می شمردند که یک دولت مسلمان آنها را به شناسد. عربها فحش خواهر و مادر به شیعه اثنی عشری می دهند. خودش اظهار عقیده کرده علاء را وادار کرده اظهار عقیده کند»^۱ البته صحت و سقم این گفتار بر ما پوشیده است. لحن سخنان غنی، بطور کلی درباره همه و از جمله انتظام لحنی نیشدار، گزنده و همراه با هتاکی است. وی درباره انتظام موضوعات و مسائل دیگری را نیز بیان کرده است که نقل همه آنها موجب تطویل کلام خواهد شد.

* * *

درباره این مجموعه چند نکته شایان تذکر است. نخست آنکه چنانکه خود نویسنده در چند جا متذکر شده است هدف وی صرفاً نقل خاطرات بوده و قصد تاریخ نویسی نداشته است و لذا بسیاری از مسائل ناگفته مانده است. وی با تکیه بر همین نکته سعی کرده تا از قضاوت پیرامون مسائل خودداری نماید و صرفاً به بیان مشاهدات خود بپردازد. ولی در بعضی موارد رعایت مساله فرق نشده است. از جمله در ذکر وقایع سوم شهریور و به هنگام دلایل اشغال ایران و نقش رضاشاه، سعی کرده است تا تصمیم گیری های رضاشاه را توجیه نموده و وی را تبرئه نماید. و به عنوان مثال می نویسد: «تخطی و تجاوز به دول ضعیف و نقض بی طرفی از خصایص آلمان بود و از متفقین که ظاهراً برای تنبیه ظالم و دفاع از مظلوم شمشیر از نیام کشیده بودند انتظار اینکه

۱- قاسم غنی، خاطرات قاسم غنی، به کوشش سیروس غنی ج ۸، ص ۲۷۹

خاطرات نصرالله انتظام

خودشان مرتکب همان عمل شوند نمی رفت. بهمین جهت اگر از جانب متفقین تهدیداتی می شد رضاشاه حق داشت که آن تهدیدات را جدی تلقی نکند»^۱.

نگاهی کوتاه به سابقه اقدامات کشورهای چوَن انگلیس در ارتباط با کشور ما و یادآوری اشغال بخشی از لهستان توسط دولت شوروی، بطلان تصورات انتظام و حق داشتن یا نداشتن رضاشاه از عدم تصور حمله متفقین به ایران را به روشن می سازد.

وی هنگام قضاوت پیرامون شخصیت مرحوم مدرس ضمن تعریف از شخصیت وی با عباراتی نظیر «من از همان زمان با سیاست مدرس مخالف بودم و چون به خودخواهی و خودپرستی او پی برده بودم»^۲ به مذمت وی پرداخته است. و در چند مورد این مساله را تکرار کرده است. حال آنکه به هنگام نقل خاطرات خود از تیمورتاش که به اذعان خود وی علاقمند به عرق و ورق و جنس لطیف بوده است با کمال سادگی از کنار قضیه رد شده است. و یا در مورد محمدعلی فروغی که یکسره به مدح او پرداخته و علیرغم آنکه خود می نویسد: «فروغی که جز به مسائل مهم یا مطالبی که به گاو و گوسفندش زبانی وارد آورد به سایر مسائل توجهی نداشت»^۳.

به راحتی از کنار نقاط ضعف وی گذر می کند و حداقل به نقش وی در سلطه حکومت رضاشاه که خود وی از نبود آزادی و سلطه یک نفر بر یک کشور گله کرده و می نویسد: «معهذا این حقیقت را هم نباید انکار کرد که وقتی تمام اختیارات حتی اختیار فکر در یک

۱- ص ۱ کتاب حاضر مطابق با ص ۱۷ دفتر اول متن اصلی

۲- ص ص ۱۴۱ - ۱۴۰ کتاب حاضر مطابق با ص ص ۱۹ - ۱۸ دفتر چهارم متن اصلی

۳- ص ۱۸ کتاب حاضر مطابق با ص ۹۱ دفتر چهارم متن اصلی

شخص متمرکز گردید و وزیران و سفرا و اطرافیان را یارای اظهار نظر و عقیده نماند...»^۱

هیچ انتقاد مؤثری به عمل نمی‌آورد.

البته انتظار انتقاد از اوضاع توسط فردی که خود به هر صورت در زمره کارگزاران آن نظام بوده است، انتظاری پوچ و عبث است ولی بهر شکل به لحاظ آنکه وی چنانکه خود در چند جای متن خاطرات خود با تأکید ذکر می‌کند که «ای کاش دیگران عشر مقاومتی که من در این مورد و موارد دیگر نشان دادم به خرج می‌دادند و برای حفظ مقام خود، خوش آمد اعلیحضرت را بر مصالح عالیه سلطنت و کشور اولی نمی‌دانستند...»^۲ انتظار آنکه مسائل را از دید مصالح کشور بنگرد وجود دارد.

وجه بارز خاطرات انتظام، بازگویی پاره‌ای نکات ریز در مورد وقایع و اشخاص مورد اشاره وی می‌باشد. نکاتی که در سایر منابع مورد اشاره قرار نگرفته است که از آن جمله می‌توان به اشارات وی در مورد سفر هیات اعزامی سازمان ملل به تهران درباره قضیه فحشاء و قاچاق مواد مخدر، سفر هیات اعزامی ایران به مجمع ملل متحد جهت حل قضیه نفت و خاطرات وی از رضاشاه در قضایای سوم شهریور و حالات روحی وی، و سایر شخصیت‌هایی است که درباره آنها گفتگو کرده است یاد کرد.

در پاره‌ای موارد انتظام دچار پاره‌ای اشتباهات تاریخی نیز شده است که در جای خود به آنها اشاره شده است.

* * *

۱- ص ۱۳ کتاب حاضر مطابق با ص ۲۴ - ۲۳ دفتر اول متن اصلی

۲- ص ۱۷۹ کتاب حاضر مطابق با ص ۸۹ دفتر چهارم متن اصلی

خاطرات نصرالله انتظام

درباره متن اصلی خاطرات و نحوه تنظیم متن ذکر موارد ذیل لازم است:

الف - اصل خاطرات در ۵ دفترچه نگاشته شده است. مشخصات دفاتر مزبور به شرح ذیل است: دفاتر از نوع سیمی و ابعاد همه آنها ۱۳ x ۱۲ و کاغذ آنها شطرنجی است دفتر اول دارای ۸۲ برگ، دفتر دوم ۵۸ برگ، دفتر سوم ۸۲ برگ، دفتر چهارم ۹۰ برگ و دفتر پنجم ۴۳ برگ است.

متن خاطرات با خطی خوش نگاشته شده و از قلم های گوناگون و با رنگ های آبی، مشکی و قرمز استفاده شده و کمتر خط خوردگی در آن به چشم می خورد.

بعضی عبارات بامداد تصحیح شده و یا به صفحات بعد و قبل ارجاع داده شده است. اصل این دفاتر در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می شود.

ب - دفاتر مزبور حاوی بخشی از خاطرات انتظام و صرفاً مربوط به وقایع سوم شهریور و اشغال ایران و خاطرات نگارنده از روابط وی با تیمورتاش میرزا حسن مستوفی الممالک، علی اکبر داور و محمدعلی فروغی است. بخش مربوط به وقایع سوم شهریور و علی اکبر داور ناتمام است. انتظام به هنگام صحبت از پاکروان در پانویس مطلب، اظهار می دارد: «در خاطرات وقایع شهریور اشاره ای به شهامتی که پاکروان در ایالت خراسان پس از ورود قوای شوروی به خرج داد نموده ام» (ص ۱۴۸) ولی این بخش در دسترس ما قرار نگرفت.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه بخش مهمی از زندگی سیاسی وی مربوط به پس از شهریور ۱۳۲۰ می باشد با این حال خاطرات مربوط به این دوران نیز در دسترس ما قرار نگرفته است و مشخص نیست که آیا خاطرات این بخش به تحریر درآمده است یا نه؟

ج - انتشار متن خاطرات با توجه به ترتیب نگارش آن صورت پذیرفته است.

د - زمان نگارش خاطرات مشخص نیست. تنها در پایان بخش مربوط به مستوفی الممالک و تیمورتاش تاریخ ۱۳۳۶ ذکر شده است.

ه - در هنگام آماده ساختن متن خاطرات، هر جا که متن از لحاظ املایی تصحیح شده است اصل کلمه در ذیل صفحه و با عدد ایرانیک مشخص شده است. پاره‌ای کلمات اضافی نیز که برای رسا کردن جمله لازم بوده است در داخل قلاب آورده شده است.

و - توضیحات خود نویسنده در ذیل صفحات و با ستاره مشخص شده است.

ز - توضیح پیرامون افراد و وقایع که در پایان متن خاطرات آمده است، در متن با عدد داخل کمان مشخص شده و توسط مصححین انجام گرفته است.

ح - علامت گذاری در دست نوشته انتظام کمتر انجام گرفته است و به طور عمده توسط مصححین صورت گرفته است.

محمدرضا عباسی - بهروز طبرانی